

گفتاری از دکتر محمد حسین ساکت
درباره منش علمی و اخلاقی دکتر فیاض

دکتر شریعتی شیفته او بود



ونسخه‌هایی از آن
نیز به ایران فرستاده شد.

کتاب «شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران» در حقیقت از دو بخش عمده تشکیل شده است: نخست بخش ادب فارسی و دیگری بخش فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران. بخش ادبی شامل بررسی گسترده تاریخ شعر فارسی از آغاز تا دوران متأخر است، در حالی که بخش دوم، سیمای تاریخی تمدن، هنر و علوم اسلامی در ایران را ترسیم می‌کند. سخنرانی نخست با عنوان «آغاز شعر فارسی» از نخستین تحلیل‌های آکادمیک درباره شکل‌گیری شعر فارسی در این به شمار می‌آید. من خود آن سخنرانی را ترجمه کردم و چند روز پس از درگذشت دکتر فیاض در شهریور ۱۳۵۰ در مجله وحید منتشر شد. بخش دوم کتاب به طور مفصل به تاریخ و تمدن اسلامی ایران می‌پردازد. نخستین سخنرانی آن درباره زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان در جریان فتح اسلامی است. دومین سخنرانی درباره اوضاع دینی و تمدنی پس از اسلام، و سومین درباره زندگی علمی در ایران است که در میان همه، طولانی‌تر و عمیق‌تر است. فیاض در این گفتار با دقت نشان می‌دهد که پایه‌های علم حدیث و تدوین آن در جهان اسلام از خراسان و ایران برخاسته است و بسیاری از محدثان بزرگ از سرزمین ایران بوده‌اند. آخرین سخنرانی او نیز درباره هنر ایرانی است که به زیبایی پیوند میان ذوق هنری، ایمان دینی، و عقلانیت ایرانی را تبیین می‌کند.

دانشگاه مشهد یا یکی از محققان برجسته ایران روبه‌رو هستید. یکی از همکاران قضایی ام در سال ۱۳۵۴ برایم تعریف می‌کرد که روزی در شهرداری مشهد مردی آرام و معمولی را دیده‌ام که با یکی از مسئولان درباره زمینی گفت و گو می‌کند. سخنانش به غایت مؤدبانه، بدون کوچک‌ترین نشانه‌ای از تفاخر یا دانشوری بود. وقتی بعداً فهمیدم که او دکتر علی اکبر فیاض بوده است، از شدت تعجب زبانش بند آمده بود. فیاض هیچ نمود بیرونی از منزلت علمی‌اش بروز نمی‌داد؛ نه در رفتار، نه در پوشش و نه در گفتار.

ماجرای شعر پارسی در دیار مصر

یکی از وجوه ماندگار زندگی آکادمیک او، سفر علمی‌اش به مصر و مجموعه سخنرانی‌هایی است که در قالب کتابی با عنوان «شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران» شناخته می‌شود. این مجموعه شامل «سخنرانی‌ها و است که در دانشگاه فؤاد اول (که بعداً پس از انقلاب مصر به دانشگاه قاهره تغییر نام داد) ایراد شده است. در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، دانشگاه تهران به درخواست دانشگاه فؤاد اول، دکتر فیاض را به عنوان استاد اعزام کرد تا در آن مرکز به تدریس و ایراد سخنرانی بپردازد. فیاض مجموعه گفتارهای خود را از پیش آماده کرده بود و در مدت کوتاهی پس از ایراد آن‌ها، متن کاملشان در شهر اسکندریه به چاپ رسید.

صریحاً از نظرمی خواستند.

یکی از حاضران در همان نشست‌ها گفته بود: یک بار یکی از دوستان بالحنی انتقادی به دکتر فیاض گفت: «آقا! چرا وقتی کسی اشتباه می‌گوید، چیزی نمی‌فرمایید و تذکر نمی‌دهید؟» فیاض با لبخند پاسخ داده بود: «مگر چه بگویم؟ بعد همین حرف مرا برمی‌دارد و به نام خودش چاپ می‌کند!» این پاسخ کوتاه، چکیده‌ای از منش و دوراندیشی او در برخورد با فضای آشفته و رقابت آمیز آن روزگار محافل علمی بود.

مرحوم دکتر شریعتی خود نیز از نزدیک با ایشان رابطه‌ای دوستانه داشت و گهگاه به تحلیل حالت و رفتار او می‌پرداخت. در یکی از گفت‌وگوها نقل می‌کرد که خانه دکتر فیاض در پشت باغ ملی مشهد قرار داشت؛ باغی که هنوز هم در مرکز شهر پابرجاست. روزهای جمعه به دیدار دکتر فیاض می‌رفت تا از او استفاده علمی ببرد. در مسیر عبورشان از میان باغ ملی، گروهی شطرنج باز در حال بازی بودند. دکتر فیاض اغلب می‌ایستاد و نزدیک به یک ساعت با دقت به بازی آنان نگاه می‌کرد. در پایان تنها جمله‌ای می‌گفت: «عجب خوب بازی کرد!» شریعتی می‌گفت تلاش می‌کردم گفت‌وگویی میان ما شکل بگیرد یا سخنی از او بشنوم. اما هرگز چیزی بر زبان نمی‌آورد. در واقع، فیاض چنان ساده زیست بود که اگر او را در خیابان می‌دیدید، هیچ‌گاه نمی‌پنداشتید با استاد بزرگ

د ر ب ا ب
مرحوم دکتر علی اکبر فیاض و خاطراتی که از ایشان در ذهن دارم، باید بگویم هنگامی که دوران خدمت سربازی ام را در مشهد می‌گذراندم، توفیق یافتیم در انجمن ادبی فرخ شرکت کنم و از نزدیک با ایشان دیدار داشته باشم. در همان سال‌ها، سخنان و خاطراتی از دکتر شریعتی در یادها مانده بود که از ویژگی‌های شخصیتی و علمی دکتر فیاض حکایت می‌کرد. یکی از خاطراتی که خود دکتر شریعتی نقل کرده بود، چنین بود که دکتر فیاض انسانی فوق‌العاده کم حرف و کم‌گو بود. در جلسات ادبی و نشست‌های علمی اگر کسی سخن نادرستی می‌گفت یا نکته‌ای اشتباه مطرح می‌کرد، هرگز واکنشی نشان نمی‌داد، مگر آنکه



دکتر رسول جعفریان در تحلیل کتاب «تاریخ اسلام» دکتر فیاض می‌گوید

پیشگام تاریخ‌نگاری آکادمیک

خلافت عباسی تا دوران مأمون و سپس انتقال قدرت به غلامان ترک آمده و بخشی نیز به خلافت در دست آل بویه، رویارویی فاطمیان و عباسیان، و آن‌گاه نقش سلجوقیان در حمایت از خلافت اختصاص یافته است. کتاب در صفحات پایانی با گزارش حمله مغول و سقوط بغداد پایان می‌پذیرد. تاریخ اسلام دکتر فیاض برای زمان انتشارش در سال ۱۳۲۷ گامی بلند به سوی تاریخ‌نگاری علمی در دانشگاه‌های ایران بود و از همین رو اثری ارزشمند به شمار می‌آید. با شگفتی باید گفت که این کتاب نه در میان آثار حوزوی پس از انقلاب بازخوانی شد و نه در دانشنامه‌ها و منابع جدید سیره‌نگاری مانند دانشنامه سیره نبوی مرکز نور مورد استفاده قرار گرفته است. حاصل کار فیاض ترکیبی از ارجاع به منابع کهن اسلامی و بهره‌گیری سنجیده از یافته‌های تاریخی و اروپایی متأخر در زمان خود است.

او به اخبار تاریخی بسیار اندک است. در عین حال در سراسر اثر رنگ و گرایش شیعی به آرامی احساس می‌شود؛ چه دکتر فیاض از سادات رضوی بود و هر چند کوشید اثری دانشگاهی و بی‌طرف بنویسد، اما در موضوعی اصلی، صبغه اعتقادی خود را نهان نداشت. هرچند روایات شیعی با متون رایج سیره تفاوت داشته‌اند، به نقل همان روایت خاص پرداخته است: توطئه منافقان برای قتل پیامبر (ص) در بازگشت از تبوک را از بحار الأنوار نقل کرده، یا درباره گرفتن آیات برائت از ابوبکر و واگذاری آن به امام علی (ع) تصریح می‌کند که «به روایت شیعه چنین بود».

از دوره عثمان و بنی امیه تا انقلاب عباسی، کتاب سیر طبیعی تاریخ را دنبال می‌کند. واقعه کربلا را فقط در حدود نیم صفحه یاد کرده است، بی‌آنکه به تفصیل بپردازد. سپس به ماجرای سقوط بنی امیه، تأسیس خلافت عباسیان و وقایع آن دوران می‌رسد. در سراسر این بخش، رنگ ملی‌گرایانه یا ایران‌گرایی دیده نمی‌شود. حتی در مواردی که از ابومسلم خراسانی یاد می‌کند، بیش از آنکه جنبه ملی داشته باشد، تحلیل تاریخی صرف است. در بخش پایانی، مباحث

نیز حضور یافت. چاپ نخست کتاب تاریخ اسلام در سال ۱۳۲۷ صورت گرفت و چاپ دوم در ۱۳۳۵ و چاپ سوم در ۱۳۳۹ منتشر شد. در مقدمه چاپ نخست نکات مهمی در باب روش تألیف و شیوه بررسی منابع آمده بود. اما در چاپ دوم، همان مطالب با نظمی دقیق‌تر و تفصیل بیشتر بازنویسی شد. مقدمه دوم شامل توضیحاتی درباره منابع، تصحیح اشتباهات و ویراست پیشین و ذکر نکاتی در باب سبک نگارش است. در چاپ‌های پس از انقلاب، این مقدمه حذف و به جای آن شرح حالی کوتاه از دکتر فیاض به نقل از مجله راهنمای کتاب (شماره مهر و آبان ۱۳۵۰) درج شده است. با وجود اختصار، بازنمایی فیاض از اوضاع عربستان پیش از اسلام گویا و منطبق با ادبیات علمی زمان خود است. او حتی در حد توان، یافته‌های جغرافیایی و باستان‌شناسی جدید را نیز در کار می‌گنجانند. جایی از کتاب اشاره می‌کند که تطبیق اسامی قبایل عرب با آنچه در متون یونانی آمده، در پرتو کشف قریب به ۲ هزار نوشته و کتیبه در خرابه‌های یمن تحقق یافته است.

به طور کلی، نگاه انتقادی

